

## روش‌شناسی کلامی مذهب‌الدین بصری

سید مجتبی حسینی کاشانی<sup>۱</sup>

علی‌الله بداشتی<sup>۲</sup>

### چکیده

مذهب‌الدین بصری یکی از اندیشمندان نیکنام کلام امامیه در قرن یازدهم هجری قمری بوده و در حوزه مباحث اعتقادی و کلامی نیز چندین اثر از خود برجای گذاشته است. وی در تبیین و تحکیم مسائل اعتقادی از روش عقلی غیر فلسفی بهره گرفته است. بهره‌گیری از کارکردهای مختلف عقل در اعتقادات پساوحیانی، و اعتقاد به لزوم تأویل صفات خبری خداوند، مبین روش عقلی او است، و عدم بهره‌گیری از مفاهیم و مباحث خاص فلسفی و نقد برخی از آراء فلاسفه، غیر فلسفی بودن روش عقلی او را تأیید می‌کند. جهت‌گیری مطالعاتی و تدوینی ویژه و تسلط او بر عقاید سایر فرق اسلامی، در کنار اسلوب انحصاری‌اش در تبویب و طرح مباحث، سیمای منحصر به فردی به آثار کلامی او بخشیده است.

**واژه‌های کلیدی:** مذهب‌الدین بصری، روش‌شناسی کلامی، روش عقلی غیر فلسفی، تأویل‌گرایی، کارکردهای عقل.

۱. دانش پژوه سطح چهار، مؤسسه آموزش عالی امام صادق (ع) و دانشجوی دکتری فلسفه و

کلام اسلامی دانشگاه قم، smh\_kashani1365@yahoo.com

۲. استاد گروه فلسفه و کلام اسلامی دانشگاه قم، alibedashti@gmail.com

وجود مکاتب مختلف فکری در حوزه مباحث کلامی و نگرش‌های گوناگون در استفاده از عقل و نقل در تبیین، اثبات و تحکیم مبانی دینی در دنیای اسلام به طور عام و در جهان تشیع به طور خاص، امری غیر قابل تردید است. وجود تفاوت‌ها و شباهت‌های روش‌ها، ضرورت بررسی و شناخت دقیق روش‌های کلامی متکلمان را آشکار می‌سازد، زیرا آگاهی از روش کلامی آنان، فهم دقیق‌تری از آراء ایشان را به دست محقق می‌دهد. پژوهش پیش رو بر آن است که با کاوش در آثار یکی از متکلمان نامدار شیعه در قرن یازدهم هجری قمری یعنی مهذب الدین بصری، روش کلامی او را تبیین نماید.

## ۱. شخصیت و آثار

احمد بن عبد الرضا بصری ملقب به مهذب الدین از علمای نام آور شیعه در قرن یازدهم هجری است. برخی تاریخ ولادت او را سال ۱۰۲۰ و تاریخ وفاتش را سال ۱۰۸۵ هجری قمری تخمین زده‌اند (آقا بزرگ طهرانی، ۱۴۳۰، ۵: ۶۰۰)، ولی اکثر تراجم نگاران و تاریخ نویسان مطلبی از محل و سال ولادت وی ننگاشته‌اند. آنچه مسلم می‌نماید اینکه با عنایت به آخرین اثری که از وی به یادگار مانده و جزء معروف‌ترین آثار او به شمار می‌آید یعنی کتاب فائق المقال، که در سال ۱۰۸۵ هجری قمری تدوین شده است، تا تاریخ مذکور در قید حیات بوده است.

مهذب الدین بصری در اکثر علوم متداول روزگار خود سرآمد بوده است (حسینی جلالی، ۱۴۲۲، ۱: ۸۷۸) از میان این علوم می‌توان به فقه، اصول، حدیث، کلام، معانی و بیان، فلکیات و طب، اشاره کرد. نقل شده است که وی در علم حدیث قریب به هزار و دویست روایت را همراه اسناد آن، و نزدیک به دوازده هزار روایت را بدون سند آن، در حافظه خویش داشته است (امین، ۱۴۰۳، ۲: ۶۲۴).

سفر به مناطق مختلف دنیای اسلام مانند نجف، حیدرآباد، لاهور، کابل، قندهار، کاشان، سبزوار، شاندیز، اردکان، مشهد و خاور از دیگر ویژگی‌های وی به شمار می‌رود (آقا بزرگ طهرانی، ۱۴۰۳، ۳: ۳۶۳؛ جلالی، ۱۴۲۲، ۱: ۸۷۹).

مهذب الدین بصری با اینکه به تصریح خود، با بیماری‌های جسمانی و

سختی‌هایی از سوی سلاطین روزگار او، و بعضاً از ناحیه خانواده، مواجه بوده (بصری، ۱۳۸۰، ۷۸) اما دارای تألیفات بسیاری بوده، به طوری که در کتاب‌های تراجم، بالغ بر چهل اثر برای او برشمرده‌اند (امین، ۱۴۰۳، ۲؛ ۶۲۵؛ امین، ۱۴۰۸، ۵: ۸۸). برخی از آثار غیر کلامی او عبارتند از:

۱. «فائق المقال فی الحدیث و الرجال»؛ این کتاب در ضمن چند فصل در علم درایه و شناخت راویان حدیث سامان یافته است.

۲. «الأشکال المنطقية» در علم منطق که در آن اشکال چهارگانه قیاس اقترانی حملی و اقسام قیاس استثنائی و شرایط انتاج و حجّیت آنها به دقت مورد بررسی قرار گرفته است.

۳. «تحفة ذخایر کنوز الأخبار فی بیان ما یحتاج إلی التوضیح من الأخبار»؛ این رساله در قالبی زیبا و روان، در دو جلد به شرح و بسط و تبیین روایاتی که به جهت وجود نکات دقیق، فهم آنها توسط عوام نیازمند به توضیح بیشتری است، پرداخته است، نقل روایات با نظم و نسق خاصی بیان نشده و همه حوزه‌های دینی اعم از روایات فقهی، اخلاقی، اعتقادی و .. را شامل می‌شود.

۴. کلیات الطب: این کتاب در سال ۱۰۸۲ق در شاه جهان آباد تألیف شده، و مشتمل بر کلیاتی درباره طب در قالب صد بیت است.

۵. الزبده: مهذب الدین در این کتاب پیرامون علم معانی، بیان و بدیع نکاتی را بیان نموده است. این کتاب نیز در سال ۱۰۷۷ق نگاشته شده است.

از مهمترین آثار کلامی مهذب الدین بصری نیز می‌توان به موارد ذیل اشاره کرد:

۱. «آداب المناظرة»؛ این کتاب درباره آداب مناظره به شکل عام و به طور خاص درباره نحوه مناظره درباره حدوث عالم و نیاز آن به مؤثر و چگونگی استدلال بر آن در سال ۱۰۸۱ق در حیدرآباد تدوین شده است.

۲. «رسالة فی اصول الدین»: مهمترین کتاب کلامی مهذب الدین بصری است که یک دوره فشرده از مباحث اعتقادی است. این کتاب با مسئله توحید با زوایای گوناگون آن و اثبات صفات ثبوتی و سلبی آغاز می‌شود و در ادامه با تکیه بر مسئله عدل الهی، قاعده حسن و قبح عقلی را مورد بررسی و توجه قرار می‌دهد. همچنین مسائل مربوط به افعال العباد و جبر و اختیار و مباحث مربوط به نبوت، امامت و معاد

نیز در ادامه طرح شده است. در تبیین روش تدوینی و تألیفی ایشان، بررسی دقیق تری درباره این کتاب انجام خواهیم داد.

۳. «رسالة فی خلق الکافر»؛ این نوشتار برای پاسخگویی به این پرسش است که چرا خداوند متعال کافران را که قصد عصیان الهی در سر دارند، آفریده است. وی به طور خلاصه ۱۲ حکمت برای خلق کافر بیان کرده است.

۴. «غوث العالم فی حدوث العالم و الرد علی القائلین بالقدم»: این کتاب نیز به طور مستقل مباحث پیرامون حدوث عالم را پیگیری کرده و ادله قائلان به قدم عالم را مردود دانسته است. این کتاب در سال ۱۰۷۷ ق نگاشته شده است.

## ۲. روش تدوینی و تألیفی

می توان روش مهذب الدین بصری در تدوین و تألیف آثارش را در مشخصه‌های زیر مورد ارزیابی قرار داد:

### ۱-۲. جهت گیری مطالعاتی

با مطالعه آثار برجای مانده از او، چنین بر می آید که جهت گیری مطالعاتی، تألیفی و تبلیغی او با عنایت به عنصر اهمیت موضوع، مخاطب، زمان و مکان و نیازهای جامعه، شکل گرفته است، و این نشان از آن دارد که وی اندیشمندی جامع نگر به دنیای پیرامون خود بوده است. به عنوان نمونه با توجه به مقدمه‌هایی که او بر رساله‌های خود نگاشته می‌توان چنین برداشت کرد که بخشی از رساله‌های خود را به درخواست و یا احتیاج مردمانی که به دیارشان سفر کرده است، نگاشته است. به عنوان مثال در شهر شاندیر رساله ای را در پاسخ به سوالاتی که در میان مردم آن دیار شیوع داشته نگاشته، یا در شهر قندهار کتاب التحفة الرضویه را به رشته تحریر درآورده که در پاسخ به نیاز اهالی این منطقه به منابع روایی ائمه اطهار (علیهم‌السلام) است؛ در شهر کابل نیز به جهت اینکه از مرکز شهرهای اسلامی در آن دوران دور بود و نیاز به اجتهاد برای پاسخ دادن به نیازهای روز در میان مردم بسیار احساس می‌شد، رساله «عمدة الاعتماد فی کیفیت الاجتهاد» را به رشته تحریر در آورد که در آن، اصل اجتهاد با تقریری که امامیه از آن دارند، و چند و چون آن مورد توجه قرار گرفته است. رساله ای نیز در جواب سوال اهل کاشان درباره تواتر قرآن تدوین کرده و با ادله فراوان تواتر قرآن را اثبات کرده است. این امر نشان از آن دارد که وی افزون بر جهدی که در

مسیر تحقیق و اثبات مبانی دین اسلام داشته و نوشته‌های تحقیقی و دقیقی از او به یادگار مانده، به اصل تبلیغ مبانی دین و پاسخگویی به شبهات و نیازهای مسلمانان نیز بی تفاوت نبوده است.

## ۲-۲. نگاه آسیب شناسانه

نگاه آسیب شناسانه مذهب الدین به مباحث دینی بسیار حائز اهمیت است. به نظر می‌رسد غالب تألیفات تحقیقی او بدون اینکه در گرداب تقلیدگرایی مذموم از پیشینیان خود گرفتار آید، سعی در پر کردن آسیب‌هایی دارد که به زعم او تا روزگار او و صحنه‌ای از گیتی که در آن می‌زیسته نیازمند توجه بوده است. از این رهیافت به نظر می‌رسد رساله‌های او در موضوع منطق، رجال، کلام و علوم حدیث در این راستا قابل ارزیابی باشد. چه آنکه آسیب‌های وارده از ناحیه مکاتب مختلف فکری مثل معتزله و اشاعره درباره اصل اختیار، افزون بر وجود ضعف منطقی، کمبود دانش رجالی و محدودیت دلایل نقلی و عقلی، در مناطقی که در آنها زندگی می‌کرده، باعث شده، ایشان رساله‌هایی را در این وادی به رشته تحریر در بیاورد.

## ۲-۳. احاطه بر عقاید فرق اسلامی

تسلط شگرف او بر آراء و عقائد فرقه‌های اسلامی اعم از اشاعره، معتزله، کرامیه، حشویه، خوارج و دیگر فرق و مذاهب اسلامی و اشاره به عقاید ایشان و ابطال آنها ستودنی است. این شگفتانه وقتی پر رنگ‌تر می‌شود که غالب رساله‌های او در سیر و سفر به رشته تحریر درآورده و به جهت آن، محدودیت قابل توجهی در استفاده از منابع داشته است. به هر روی شیوه مذهب الدین در طرح غالب مسائل، این است که در ابتدا با تبیین موضع امامیه، مخالفان نامدار آن مسئله را از میان فرق و مذاهب اسلامی بیان کرده و به رد آن می‌پردازد؛ چنانکه در بحث از تبیین صفت کلام الهی (بصری، بی تا (الف)، ص ۴، سطر ۲۴)، و جسم نداشتن خداوند (همو، ص ۵، سطر ۱۵)، و بحث از اراده الهی (همو، ص ۱۰، سطر ۲۰) چنین رویه‌ای را در پیش گرفته است. در این باره در بحث از شیوه مواجهه او با فرق و آراء کلامی تفصیل بیشتری ارائه خواهیم داد.

## ۲-۴. اسلوب تبویب و طرح مباحث

اکثر آثار مذهب الدین از لحاظ سبک نوشتاری و نوع تبویب و فصل بندی به کلی با سایر آثار متکلمان امامیه متفاوت است. به عنوان مثال در کتاب «اصول الدین» که

مهمترین کتاب کلامی او به شمار می‌آید، مباحث اصلی در قالب یک مقدمه، هفت محکمه و یک خاتمه شکل گرفته است. مقدمه ابتدایی در اثبات وجوب معرفت خداوند از طریق نقل و عقل است. در ادامه هفت محکمه را به این ترتیب: «اثبات واجب الوجود»، «فی صفاته الثبوتية»، «فی صفاته السلبية»، «فی العدل»، «فی النبوة»، «فی الامامة» و «فی المعاد» مورد بحث گذاشته و در خاتمه بحثی را پیرامون امر به معروف و نهی از منکر ترتیب داده است. نکته قابل توجه، نوع نامگذاری فصول و عناوین زیر مجموعه آن است، که در هر محکمه بدون تکرار از عناوین جدیدی بهره گرفته است. بر این اساس در نامگذاری زیر مجموعه‌های محکمت از عناوین «مصلحه»، «مرتبه»، «واجبه»، «تحمید» و «لطف» استفاده کرده است، که ذوق وی در تدوین و طرح مباحث را نشان می‌دهد.

مذهب الدین در طرح مباحث اعتقادی سعی در ایجاز گویی و عدم اطناب مباحث دارد و در ابتدای هر موضوعی با طرح مختصر موضوع و تبیین جایگاه بحث در میان فرق اسلامی، به سراغ اثبات آن از طریق ادله عقلی و نقلی می‌رود.

### ۳. جایگاه عقل در روش کلامی مذهب الدین

روش‌های عمده در پژوهش کلامی متکلمان اسلامی به دو روش عقلی و نقلی تقسیم می‌شود. مراد از روش عقلی این است که متکلم افزون بر استفاده از عقل در اثبات مسائل پیشا وحیانی که اساساً پذیرش نقل مبتنی بر اثبات آنهاست، در دیگر مسائل که هم قابلیت اثبات از طریق نقل و هم از طریق عقل را دارد، عقل را بر نقل ترجیح داده و از نقل در مسیر تأیید آنچه عقل بر آن حکم کرده است، استفاده می‌کند. در مقابل، روش نقلی به ترجیح و استفاده حداکثری از نقل وحیانی در اثبات آموزه‌های دینی شناخته می‌شود.

با مطالعه آثار مذهب الدین به نظر می‌رسد روش کلامی او را باید روشی عقلی ارزیابی کرد؛ چه آنکه او در غالب مسائلی که اثبات آنها از طریق عقل و نقل ممکن است، ابتدا از استدلالی عقلی بهره برده و در ادامه از نقل برای تأیید و تحکیم آن استفاده کرده است. آنچه از مطالعه آثار او به دست می‌آید تأثیر پذیری او از روش کلامی خواجه نصیر الدین طوسی در تجرید الاعتقاد و دیگر آثار اوست؛ چه آنکه در برخی از مسائل بسان او طرح بحث کرده و حتی در مواردی از واژگانی شبیه به عبارات تجرید الاعتقاد در بیان مسائل بهره جسته و همانند او استدلال کرده است؛ با این

تفاوت که وی بر خلاف محقق طوسی که قبل از ورود به مباحث اعتقادی، به مباحث فلسفی پرداخته و در طرح مباحث کلامی به آراء فلاسفه نیز اهتمام ویژه‌ای داشته، مهذب‌الدین بصری مباحث فلسفی را حتی به شکل ناقص مورد بررسی قرار نداده و جز در مواردی اندک، به آرای حکما نیز اشاره‌ای نداشته است.

در ادامه، به طور ویژه کارکردهای عقل که مورد استفاده ایشان در اثبات و تحکیم آموزه‌های اعتقادی بوده است، مورد اشاره قرار می‌گیرد.

### ۳-۱. کارکرد اثباتی انحصاری

یکی از کارکردهای بی‌بدیل عقل، استفاده از آن در اثبات گزاره‌های دینی پیشا و حیانی است. طبق این اصطلاح، اثبات آموزه‌هایی که پذیرش نقل مبتنی بر اثبات آنهاست در انحصار عقل است. مهذب‌الدین در این گونه مسائل از استدلال عقلی بهره گرفته است که اثبات وجود خداوند و اثبات ضرورت نبوت از آن جمله است. در اثبات وجود خداوند، همان استدلالی را که محقق طوسی در تجرید الاعتقاد بیان کرده، بازگفته است: «ان الموجود إن كان واجبا فهو و إلا استلزمه؛ لبطان الدور و التسلسل» (همو، ص ۲، سطر ۱۴) و ضرورت نبوت را بر اساس حکمت الهی و قاعده لطف اثبات کرده است؛ همان استدلالی که متکلمان عدلیه در اثبات ضرورت نبوت بیان نموده‌اند (بصری، بی تا (الف)، ص ۱۳، سطر ۶).

### ۳-۲. کارکرد اثباتی غیر انحصاری

در این کارکرد، اگرچه منطقا اثبات گزاره‌ها از ناحیه نقل و حیانی ممکن بوده و مستلزم دور و تسلسل نیست، اما اثبات آنها از طریق عقل بدون نیاز به نقل هم صورت می‌گیرد. مهذب‌الدین در بسیاری از گزاره‌ها از استدلال عقلی برای اثبات چنین گزاره‌هایی استفاده کرده است. می‌توان به عنوان نمونه، موارد ذیل را بیان نمود:

۱. اثبات برخی از اوصاف خداوند مانند جسم نداشتن و بساطت وجود و ازلی و ابدی بودن خداوند. مهذب‌الدین برای جسم نداشتن خداوند (همو، صفحه ۵، سطر ۱۵)، عدم وجود ترکیب خارجی و ذهنی (همو، ص ۵، سطر ۱۵) و ازلی و ابدی بودن (همو، ص ۳، سطر ۱۷) از استدلال عقلی بهره گرفته است؛ آموزه‌هایی که هیچ مانع عقلی برای استفاده از نقل از اثبات آنها نیز وجود ندارد.

۲. لزوم افضلیت پیامبر و امام بر سایر مردم: در این باره نیز وی با ابتناء بر قاعده

حسن و قبح عقلی و کبری قرار دادن قبح تقدیم مفضول بر فاضل، چنین نتیجه گرفته است که واجب است پیامبر ﷺ برترین افراد در روزگار خویش باشد (همو، ص ۱۵، سطر ۱۸).

۳. لزوم معاد: اصل لزوم معاد، هم با دلیل عقلی قابل اثبات است و هم با دلیل نقلی، اما در اینجا نیز مهذب الدین با تکیه بر قبح تکلیف در صورت عدم لزوم معاد، و وجوب وفای به وعد، بر لزوم معاد استدلال می‌کند، و سپس به آیاتی از قرآن کریم نیز استناد می‌جوید (همو، ص ۲۶، سطر ۷).

**۳-۳. کارکرد تبیینی**

مراد از کارکرد تبیینی عقل در طرح و تحکیم مباحث اعتقادی این است که این دسته از اعتقادات گرچه در قرآن کریم یا در روایات پیامبر (صلي الله عليه وآله) و ائمه اطهار (عليهم السلام) مطرح شده اما تبیین نشده است. تبیین آنها به بهره گیری از تفکر عقلی نیاز دارد، مانند این روایت که: «إن الله خلق من خلقه و خلقه خلو منه» (کلینی، ۱۴۲۹، ۱: ۲۰۲). مهذب الدین با عنایت به این روایت و آیه «لیس کمثله شیء» (سوره شوری، آیه ۱۱)، وجود هرگونه اتحاد خداوند با ما سواش را چه به نحو حقیقی و چه به صورت مجازی دارای لوازم فاسد عقلی، مانند لزوم وجود کون و فساد در ذات الهی دانسته و محال می‌شمرد (بصری، بی تا (الف)، ص ۶، سطر ۲۴).

**۳-۴. کارکرد تأویلی**

این کارکرد عقل در مورد آموزه‌هایی است که در آیات و روایات مطرح شده، اما مدلول ظاهری آنها مستلزم تشبیه و تجسیم است. متکلمان اسلامی در مورد این گونه آیات و روایات، روش‌های متفاوتی برگزیده‌اند که روش تأویل، از آن جمله است. مهذب الدین در مورد این گونه آیات و روایات روش تأویل را برگزیده است، چنانکه گفته است: «بر خلاف عقیده نصاری و اکثر صوفیه، جایز نیست که خداوند در محل قرار گیرد و (و همچنین) جایز نیست که در جهت قرار گیرد، بر خلاف نظر کرامیه که به صرف ظواهر روایاتی که تأویل آنها واجب است، گمان کرده اند که خداوند در جهت بالا قرار دارد؛ زیرا این روایات ملازم با احتیاج خداوند به محل و جهت است و حال آنکه به جهت بی نیازی خداوند این امر محال است» (بصری، بی تا (الف)، ص ۶، سطر ۱۰). در بحث از رؤیت خداوند نیز همین روش را در پیش گرفته است (بصری، بی تا (ب)، ص ۲۹۹ سطر ۴).



#### ۴. جایگاه نقل در روش کلامی مذهب الدین

همانگونه که بیان نمودیم اگرچه روش مذهب الدین با روش عقلی همسو است، اما جایگاه نقل و استفاده از متون نقلی در تحکیم، تبیین و حتی اثبات عقاید و معارف دینی در نزد او بسیار پر رنگ جلوه می‌کند. از این رو اشاره به آیات و روایات در مسیر تبیین معارف دینی بخش عمده‌ای از نوشته‌های برجای مانده از او را تشکیل می‌دهد. استفاده مذهب الدین بصری از نقل در طرح و تبیین مسائل کلامی، در دو مورد کلی قابل ارزیابی است: اثبات اعتقاداتی که راهی برای عقل در تبیین و اثبات آنها نیست؛ و تأیید، تأکید و تحکیم آنچه از طریق عقل بر آن استدلال شده است. در ادامه به توضیح آن خواهیم پرداخت.

##### ۴-۱. کارکرد اثباتی

اعتقاداتی که تنها از طریق نقل و حیانی قابل اثبات و تبیین هستند و مذهب الدین از طریق نقل بر آنها استدلال کرده است، مانند منحصر بودن جانشینان پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در امامان دوازده گانه اهل بیت علیهم السلام (بصری، بی تا (الف)، ص ۱۶، سطر ۱۹؛ همو، ص ۲۴، سطر ۲۲؛ همو، بی تا (ب)، ص ۱۲۶، سطر ۵)، جزئیات مباحث مربوط به معاد، مانند جاودانه بودن کافر در عذاب الهی و تبعیت اطفال کفار از آنها در این حکم (بصری، بی تا (الف)، ص ۲۹، سطر ۷) و اصل وجود شفاعت و شرایط آن (همو، سطر ۲۳)، و بحث از تواتر قرآن که یکی از بحث‌هایی است که مذهب الدین بصری به طور مفصل به آن پرداخته و با ادله نقلی فراوان بر آن استدلال کرده است (بصری، بی تا (ب)، ص ۸۶، سطر ۱).

##### ۴-۲. کارکرد تبیینی و تأکیدی

ایشان معمولاً بعد از استدلال عقلی در مباحثی که می‌توان در آن حوزه از دلایل نقلی بهره جست، به آیات و روایات ناظر بر آن بحث نیز اشاره می‌کند، مانند: اثبات صفت قدرت و اختیار برای خداوند (بصری، بی تا (الف)، ص ۳، سطر ۴)، قدیم و ازلی بودن خداوند (همو، سطر ۱۷)، رؤیت ناپذیری خداوند (همو، ص ۷، سطر ۱۰)، منسوب بودن افعال به بندگان (همو، ص ۹، سطر ۸) و استحاله اراده قبیح توسط خداوند (همو، ص ۱۰، سطر ۲۰).

## ۵. جایگاه اجماع در روش کلامی مذهب الدین

اگرچه می‌توان بررسی جایگاه اجماع در روش‌شناسی کلامی یک متکلم را تحت عنوان جایگاه نقل در روش‌شناسی او مورد توجه قرار داد، اما توجه به یک نکته مهم باعث می‌شود که آن را جداگانه مورد بررسی قرار دهیم، و آن اینکه تعریف اجماع نزد قاطبه متکلمان امامیه حول معنای «اتفاق امت پیامبر (صلي الله عليه وآله) بر یک امر دینی» می‌گردد (فاضل مقداد، ۱۴۳۰ق، ۱۶۰؛ علامه حلی، ۱۳۶۵ش، ۷۱). این ابزار با فرض حجیتش یک دلیل لبی بوده و غیر از نقل و حیانی است که از ناحیه خداوند، پیامبر (صلي الله عليه وآله) و یا ائمه معصومین (عليهم السلام) صادر شده است. اما ملاک حجیت اجماع که توسط برخی از علمای امامیه، کاشفیت از حضور معصوم در میان اجماع کنندگان و طبعاً ارائه نظر توسط ایشان دانسته شده (انصاری، ۱۴۱۹، ۱: ۱۸۵) نیز اگرچه حجیت اجماع را زیر مجموعه حجیت نقل قرار می‌دهد، اما نکته این است که این ملاک حجیت، مورد اتفاق علمای امامیه نیست، بلکه بسیاری از علمای امامیه ملاک حجیت اجماع را ملازمه عقلی (مثل بهره‌گیری از قاعده لطف) یا ملازمه عادی داشتن (مانند قطع پیدا کردن به حکم به جهت وجود این اجماع) فحوای آنچه بر آن اجماع شده است با رأی و نظر معصوم علیه‌السلام دانسته‌اند (شیخ مفید، ۱۴۱۳ق، ۳۷۷، پاورقی؛ سبحانی، ۱۳۸۱ش، ۵۸۹؛ ۲: ۵۸۹؛ نائینی، ۱۳۷۶ش، ۱۴۹: ۳)، که تفاوت آن با نقلی که در روش نقلی مورد توجه قرار می‌گیرد، آشکار است؛ زیرا کاشفیت از رأی معصوم غیر از یقین به وجود نقل و حیانی است. مضاف بر اینکه اگر به طور عام روش‌شناسی کلامی متکلمان اسلامی اعم از امامیه را مد نظر قرار دهیم به نظر می‌رسد ارزش اجماع در نزد ایشان غیر از ارزشی است که برای نقل قائل‌اند (سلطان آبادی، ۱۳۹۱ش، ۹۳).

به هر روی، در اینکه آیا می‌توان از اجماع در اثبات اعتقادات دینی بهره جست یا خیر، میان مکاتب مختلف اسلامی اختلاف چشمگیری وجود دارد. این روش عمدتاً توسط اشاعره در راه اثبات عقاید دینی پذیرفته شده است (سلطان آبادی، ۱۳۹۱، ص ۹۲-۹۵) هرچند در میان ایشان نیز افرادی استفاده از اجماع در اثبات عقاید دینی را جایز نمی‌دانند (القاری، ۱۴۱۵، ۱: ۸۵). در میان معتزله غیر از نظام (غزالی، ۱۴۱۷: ۱۳۷) جمله‌گی حجیت اجماع در مسائل اعتقادی را پذیرفته‌اند (قاضی عبدالجبار، بی تا، ۴۶۲؛ ابن ابی الحدید، بی تا، ۵: ۱۴۱). در میان امامیه نیز غیر از اخباریین که اساساً اعتقادی به حجیت اجماع ندارند، غالب ایشان اجماعی که البته کاشف از رأی معصوم

است را در اثبات مسائل اعتقادی حجت می‌دانند. مؤید این مطلب اجماعاتی است که توسط شیخ مفید بر متکلم بودن خداوند (مفید، ۱۴۱۴، ۲۷) و عدم نزول وحی بر ائمه علیهم‌السلام (همو: ۶۸)، و سید مرتضی بر دوام ثواب و عقاب (سیدمرتضی، ۱۴۰۵، ۱: ۱۴۸) و بحث شفاعت (همو: ۵۰) و شیخ طوسی بر عذاب قبر (طوسی، ۱۴۰۰: ۱۳۵) و وجود تکلیف در آخرت (همو: ۵۵) ارائه شده است. در این میان البته گروهی از متأخرین از امامیه به تبعیت از شیخ انصاری، اجماع را فقط در اثبات مسائل فقهی حجت می‌دانند (رک: انصاری، ۱۴۱۹، ۱: ۵۴۸؛ حائری، بی تا، ۲: ۳۴۰؛ خمینی، بی تا: ۳۲۳).

مهدب‌الدين بصری اگرچه بحث مستقلاً در باره تعریف اجماع یا ملاک حجیت اجماع ندارد، اما به تبع قاطبه متکلمان امامیه در اثبات بسیاری از مسائل اعتقادی، به اجماع تمسک کرده است. از میان آنها می‌توان به مباحث زیر اشاره کرد:

الف) وجوب معرفة الله: «معرفة تعالی واجبة علی کل مکلف اجماعاً» (بصری، بی تا (الف)، ص ۲، سطر ۳).

ب) متکلم بودن خداوند: «الله تعالی متکلم للاجماع» (همو، ص ۴، سطر ۲۳).

ج) اصل وجوب معاد: «اجمع المسلمون كافة علی وجوب المعاد» (همو، ص ۲۶، سطر ۶).

د) خلود کافر در عذاب: «الکافر مخلد اجماعاً» (همو، ص ۲۹، سطر ۶).

هـ) عدم شمول عفو الهی بر کفر: «اجمع المسلمون علی أنّ الله تعالی لا یعفو عن الکفر» (همو، سطر ۱۶).

و) شفاعت: «اجمع المسلمون علی أنّ الشفاعة ثابتة» (همو، سطر ۲۳).

ز) نفی اتصاف خداوند به ألم: «الله تعالی لا یصح اتصافه بالآلدة و الألم مطلقاً أما الألم فاجماعی» (همو، ص ۷، سطر ۳).

## ۶. کارکرد علوم در روشن‌شناسی مهدب‌الدين

به جهت ترابط و اشتراکات علوم با یکدیگر، همان گونه که می‌توان مشی فکری و روشن‌شناسی تدوینی یک متکلم را از میان آثار کلامی او شناخت، همچنین می‌توان کم و کیف تسلط او نسبت به علوم دیگر و بهره‌گیری از آنها در مباحث کلامی را به دست آورد. در اینجا به علومی که وی در آنها تبحر داشته و یا درباره آنها اظهار نظر

کرده، اشاره و بهره گیری او از آنها در مباحث کلامی را بیان می‌کنیم. مهذب الدین بصری از طبیعیات، ریاضیات و فلکیات در مباحث کلامی بهره قابل ملاحظه ای نبرده، از این رو در ادامه به این علوم اشاره نمی‌شود.

### ۱-۶. علوم عقلی

#### ۱-۱-۶. منطق

علم منطق نقش تعیین کننده‌ای در ایتقان و احکام علوم مختلف دینی دارد. اما جایگاه آن در علم کلام بسیار با اهمیت تر بوده و از مبادی ضروری آن به شمار می‌آید. گزاره نیست اگر بگوییم که یکی از ملاک‌های مسلم ارزشیابی آثار متکلمان از یکدیگر، میزان تسلط ایشان به قواعد منطقی است. از این رو، دأب بسیاری از متکلمان این بوده که یا به صورت مستقل - مانند الجوهر النضید علامه حلی و تهذیب المنطق تفتازانی - و یا در آغاز کتاب‌های کلامی - مانند قواعد المرام ابن میثم و گوهر مراد محقق لاهیجی - مباحث منطقی را طرح نمایند.

در این میان مهذب الدین بصری از آن دسته از علمایی است که به طور مستقل و در کتابی مجزا بخشی از مباحث منطقی را به بحث گذاشته است و در آن اشکال قیاس‌های منطقی اعم از اقترانی و استثنائی را مورد موشکافی عمیق قرار داده است. همچنین، تسلط او بر استفاده از انواع قیاس در کتابهای کلامی اش بارز است. او بیشتر از قیاس اقترانی در استدلال بر مسئله استفاده می‌کند (همو، ص ۵ سطر ۱۵؛ همو، سطر ۲۳) اما از قیاس‌های استثنائی (همو، ص ۲ سطر ۱۱؛ همو، سطر ۱۴) نیز بهره برده است.

#### ۲-۱-۶. فلسفه

هر چند اثری مستقل از مهذب الدین در زمینه مسائل فلسفی وجود ندارد، اما او به صورت حداقلی به بعضی از آرای حکما در میان مباحث اعتقادی عنایت داشته است. در این میان البته از میان آرای که نقل کرده به چندین مورد به دیده تردید و در برخی از موارد نیز به دیده صحت نگاه کرده است. به عنوان مثال او قاعده الواحد را که مورد پذیرش فلاسفه است، زخرف دانسته (همو، ص ۳ سطر ۱۱) یا اثبات ألم عقلی برای خداوند را که به زعم او مورد پذیرش حکما است دارای اشکال دیده است (همو، ص ۷ سطر ۷). اما در مقابل تقریر حکما را در بحث از اتحاد صفات ذاتی خداوند با ذات

پذیرفته است (همو، ص ۸ سطر ۶).

رویکرد وی درباره ارزش معرفتی روش حکیمان در تمام مسائل به طور یکسان نیست. به عنوان نمونه وی در برخی از مسائل رویکرد نفی فلسفی به خود گرفته و بحث فلسفی را در آنجا ممنوع می‌داند. مثلاً وقتی ایشان امکان وجود بهشت را بر فراز افلاک بیان کرده است در ادامه بدون فاصله و با صراحت می‌گوید: «و المسألة الفلسفية ممنوعة» (همو، ص ۲۷، سطر ۵)، که نشان از این دارد که در این قبیل امور روش حکما در کسب معرفت را نمی‌پسندد. در مقابل، از برخی از عباراتی که او درباره حکما به کار برده، مانند «محققی الحکما» آن هم در مسئله‌ای که رأی ایشان را پذیرفته (همو، ص ۸ سطر ۶)، می‌توان چنین برداشت نمود که از دید او هر چند آنچه حکما بدان قائلند می‌تواند مورد نقض و ابرام واقع شود، اما محققین از حکما مباحث دقیق و قابل استفاده‌ای را بیان کرده‌اند. و این نشان از عدم رد مطلق فلسفه و مشی فلاسفه از دید او دارد.

## ۲-۶. علوم نقلی

### ۱-۲-۶. علوم ادبی

در تأثیر دانش ادبیات عرب در فهم آیات قرآن کریم و روایات معصومین (علیهم‌السلام) تردیدی وجود ندارد، و کم و بیش برخی از استدلال‌های نقلی مبتنی بر پذیرش نکته‌ای نحوی و ادبی است. مهدّب الدین گرچه کتابی مستقل در ادبیات عرب ننگاشته و حتی استفاده حد اکثری در استفاده از قواعد عربی در بیان استدلال‌های خود نداشته، اما گه‌گاه در استدلال‌های مبتنی بر فهم آیات و روایات به این امر بی‌توجه نبوده و به برخی از این قواعد عربی در تبیین ادله اشاره کرده است (بصری، بی تا (ب)، ص ۲۹۷ سطر ۵؛ همو، ص ۲۹۸ سطر ۷؛ همو، ص ۲۹۹ سطر ۵؛ همو، بی تا (الف)، ص ۸ سطر ۱۳). حتی در برخی از این موارد با نقل قاعده‌ای ادبی مثل عدم جواز تقدم جزاء بر شرط به نقل از ادیبان با عبارت «المحققین من النحویین»، به گونه‌ای به قضاوت میان آنچه میان علمای علم ادب اختلافی بوده پرداخته است، و این نشان از اشراف او به مباحث ادبی دارد (همو، بی تا (ب)، ص ۳۰۱ سطر ۹).

## ۲-۲-۶. علم درایه و رجال

با اینکه مهذب الدین بصری صاحب نظر در علوم مختلف بوده است، اما نام و آوازه او با کتابی که در زمینه علم درایه و رجال تألیف کرده است، بر سر زبان‌هاست. این مسئله شاید به این علت باشد که این کتاب از میان معدود کتاب‌های اوست که به زیور طبع آراسته شده و در دسترس همگان است. به هر روی، ایشان یک عالم متبحر در علم رجال و صاحب نظر در مسائل مربوط به علم درایه بوده است. این تسلط در کنار هزاران روایتی که در حافظه خویش داشته میزان بهره‌گیری تألیفات او از روایات معتبر و صحیح‌السند را در تثبیت و تحکیم معارف اسلامی بسیار پررنگ کرده و بر قوت استدلال‌هایی که بیان کرده، افزوده است. به عنوان نمونه می‌توان به بحث روایی که ایشان در اثبات جایگاه ائمه اطهار علیهم‌السلام و اوصاف ایشان نموده (بصری، بی تا (الف)، ص ۱۶، سطر ۱۹؛ همو، ص ۲۴، سطر ۲۲؛ همو، بی تا (ب)، ص ۱۲۶، سطر ۵) و همچنین بحثی که درباره کم و کیف معاد و احکام پیرامون آن مطرح کرده است (بصری، بی تا (الف)، ص ۲۹، سطر ۷)، اشاره کرد.

### ۸. شیوه مواجهه مهذب الدین با فرق و آراء کلامی

همان گونه که پیشتر اشاره کردیم، دأب مهذب الدین تا جایی که ممکن است، تجمیع همزمان اثبات عقاید امامیه در یک مسئله و نقد آراء مکاتب فکری دیگر در همان مسئله است. از این رو، معمولاً در آغاز هر مسئله، نظر مخالفان امامیه را بیان کرده و با دلیل مستقل آن را نفی می‌کند و یا با اثبات عقیده امامیه، عقاید آن‌ها را پاسخ داده شده تلقی می‌کند. در ادامه نمونه‌ای از نقد عقاید سایر فرق را بیان می‌کنیم:

#### ۱-۸ اشاعره

با مطالعه آثار ایشان، می‌توان مدعی توجه ویژه مهذب الدین به آراء اشاعره شد. به عنوان مثال، ایشان درباره مسائل ذیل به نقل و نقد آراء اشاعره پرداخته است: علم پیشینی خداوند به اشیاء (همو، بی تا (الف)، ص ۴، سطر ۲)، قدرت الهی (همو، ص ۴ سطر ۵)، کلام الهی (همو، ص ۴ سطر ۲۵)، جواز رؤیت خداوند (همو، ص ۸ سطر ۳)، صفات زائده بر ذات (همو، ص ۸ سطر ۹)، حسن و قبح شرعی (همو، ص ۹ سطر ۵)، جبر (همو، ص ۱۰ سطر ۲۰)، عدم استحاله اراده قبیح توسط خداوند (همو، ص ۱۰ سطر ۲۰)، عدم وجوب نبوت (همو، ص ۱۳ سطر ۶) و وقوع سهوی گناه صغیره توسط

انبیاء (همو، ص ۱۵ سطر ۲۴).

## ۲-۸ معتزله

عقاید معتزله نیز کم و بیش مورد توجه ایشان بوده است. نکته ای که در باره نقل اقوال مذهب الدین از مکتب اعتزال خودنمایی می کند، توجه بیشتر او به آراء معتزلیان بصره مانند نظام، جبائیان و جاحظ است، اگرچه نسبت به نقل آراء معتزله بغداد مانند آراء بلخی و ابوالحسنین بصری نیز بی تفاوت نبوده و در مواردی آنها را نیز بیان کرده است. این شاید بدین سبب باشد که آراء معتزله بغداد به آراء امامیه نزدیک تر بوده تا جایی که برخی ایشان را متشیع المعتزله نامیده اند (خیاط، عبدالرحیم بن محمد، ۱۹۸۸ م، ۱۵۶)، و طبعاً در مسائل کمتری نیازمند نقل و نقد آراء ایشان بوده است. در ذیل به برخی از آنها اشاره می کنیم: عدم قدرت خداوند بر انجام فعل قبیح (بصری، بی تا (الف)، ص ۳ سطر ۱۲)، عدم قدرت خداوند بر انجام مثل مقدور ما (همو، ص ۳ سطر ۱۲)، اراده الهی (همو، ص ۳ سطر ۱۳)، صفات الهی (همو، ص ۸ سطر ۱۰)، بحثی در وجوب شکر منعم (همو، ص ۲۸ سطر ۹)، عدم خلود کافر در جهنم (همو، ص ۲۹ سطر ۷).

## ۳-۸ کرامیه

از دیگر مذاهب کلامی که مذهب الدین به نقد آرای ایشان مبادرت ورزیده است، مذهب کرامیه است که در مسائل زیر، عقاید ایشان مورد نقد واقع شده است: کلام الهی (همو، ص ۵ سطر ۵)، محل حوادث بودن خداوند (همو، ص ۶ سطر ۱)، در جهت فوق بودن خداوند (همو، ص ۶ سطر ۱۱)، رؤیت خداوند با بصر (همو، ص ۸ سطر ۲).

همچنین مجسمه (همو، ص ۵ سطر ۱۵؛ همو، ص ۸ سطر ۲)، حشویه (همو، ص ۱۵ سطر ۲۳)، خوارج (همو، ص ۱۵ سطر ۲۲)، متصوفه (همو، ص ۶ سطر ۱۰)، ثنویه (همو، ص ۲ سطر ۱۲)، نصاری (همو، ص ۶ سطر ۱۰؛ همو، ص ۶ سطر ۲۳)، گروه‌های دینی و مذهبی دیگری هستند که وی آراء آنها را نقل و نقد کرده است.

## نتیجه:

مذهب الدین بصری را می توان متکلمی عقل گرا دانست که در موارد مناسب و لازم از نقل نیز بهره گرفته است. وی با بهره گیری از عقل و نقل به اثبات و تبیین

عقاید امامیه پرداخته و دیدگاه‌های مخالف آن را نقد کرده است. او با بهره‌گیری از این روش و با ژرف‌اندیشی و جامعیت علمی، نقش ممتازی را در علم کلام ایفا کرده است.



۱. قرآن الکریم.
۲. ابن ابی الحدید، عبدالحمید ۱۳۷۸، *شرح نهج البلاغة*، تحقیق محمدابوالفضل ابراهیم، بیروت، دار احیاء الکتب العربیه.
۳. امین، محسن، ۱۴۰۳، *أعیان الشیعه*، بیروت، دارالتعارف للمطبوعات.
۴. امین، سید حسن، ۱۴۰۸، *مستدرکات أعیان الشیعه*، بیروت، دارالتعارف للمطبوعات.
۵. انصاری، مرتضی، ۱۴۱۹، *فرائد الأصول*، قم، مجمع الفکر الاسلامی.
۶. آزاد کشمیری، محمد علی بن محمد صادق، ۱۳۸۷، *نجوم السماء فی تراجم العلماء*، مصحح: محدث، هاشم، تهران، سازمان تبلیغات اسلامی.
۷. آقا بزرگ تهرانی، محمد محسن، ۱۴۰۳، *الذریعه الی تصانیف الشیعه*، بیروت، دارالأضواء.
۸. آقا بزرگ تهرانی، محمد محسن، ۱۴۳۰، *طبقات اعلام الشیعه*، قم، دار احیاء التراث العربی.
۹. آقا بزرگ تهرانی، ۱۴۰۸، محمد محسن، *الذریعه الی تصانیف الشیعه*، قم و تهران، اسماعیلیان و کتابخانه اسلامی.
۱۰. بصری، احمد بن عبدالرضا، ۱۳۸۰، *فائق المقال فی الحدیث و الرجال*، محقق: قیصری، غلامحسین، قم، دارالحدیث.
۱۱. بصری، احمد بن عبدالرضا، بی تا (الف)، *رساله فی اصول الدین در ضمن کتاب مجموعه رسال مہذب الدین*، نسخه خطی موجود در کتابخانه مجلس شورای اسلامی، شماره راهنما: ۸۹۲۲.
۱۲. بصری، احمد بن عبدالرضا، بی تا (ب)، *تحفه ذخائر کنوز الاخبار فیما لعله یحتاج الی التوضیح من الاخبار*، نسخه خطی موجود در کتابخانه مجلس شورای اسلامی، شماره راهنما: ۷۵۰۳.
۱۳. حائری، عبد الکریم (بی تا)، *درر الفوائد*، تحقیق محمد مومن، قم، موسسه النشر الاسلامی.
۱۴. حسینی جلالی، سید محمد حسین، ۱۴۲۲، *فهرس التراث*، قم، انتشارات دلیل ما.
۱۵. خمینی رحمته اللہ علیہ، سیدروح اللہ (بی تا)، *معتمد الأصول*، قم، موسسه نشر آثار امام خمینی رحمته اللہ علیہ.
۱۶. خیاط، عبدالرحیم بن محمد، ۱۹۸۸، *الانتصار و الرد علی ابن الراوندی الملحد*، قاهره، مکتبه الثقافه الدینیہ.

۱۷. سبحانی، جعفر، ۱۳۸۱، *الإنصاف في مسائل دام فيها الخلاف*، اول، قم، مؤسسه امام صادق علیہ السلام.
۱۸. سبحانی، جعفر، ۱۴۱۸، *موسوعة طبقات الفقهاء*، قم، مؤسسه امام صادق علیہ السلام.
۱۹. شیخ مفید، ۱۴۱۳، *أوائل المقالات في المذاهب و المختارات*، اول، قم، المؤتمر العالمي للشيخ المفيد.
۲۰. صدر المتألهين، ۱۳۶۶، *شرح أصول الكافي لصدر المتألهين*، اول، تهران، مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی.
۲۱. علامه حلی-فاضل مقداد-ابوالفتح بن مخدوم حسینی، ۱۳۶۵، *الباب الحادي عشر مع شرحه النافع يوم الحشر و مفتاح الباب*، اول، تهران، مؤسسه مطالعات اسلامی.
۲۲. غزالی، محمد بن محمد، ۱۴۱۷، *المستصفی*، تحقیق محمد عبدالسلام عبدالشافی، بیروت، دارالکتب العلمیة.
۲۳. فاضل مقداد، ۱۴۲۰، *الأنوار الجلالیة فی شرح الفصول النصیریة*، اول، مشهد، مجمع البحوث الاسلامیة.
۲۴. القاری، علی بن محمد، ۱۴۱۵، *الرد علی القائلین بوحدة الوجود*، محقق علی رضا بن عبدالله، دمشق، دارالمأمون للتراث.
۲۵. قاضی عبدالجبار معتزلی، (بی تا)، *المغنی فی ابواب التوحید و العدل*، بی جا، بی نا.
۲۶. کلینی، محمد بن یعقوب، ۱۴۲۹، *الكافي*، اول، قم، دارالحدیث.
۲۷. مدرس، محمد علی، ۱۳۴۹، *ریحانه الادب فی تراجم المعروفین بالکنیه و اللقب*، سوم، تبریز، شفق.
۲۸. مؤذن سلطان آبادی، محمد، «تمسک به اجماع در مسائل عقلی و اعتقادی»، تابستان ۱۳۹۱، سال بیست و یکم، شماره ۲، مجله کلام اسلامی، از صفحه ۸۹ تا ۱۲۰.
۲۹. نائینی، محمد حسین، ۱۳۷۶، *فوائد الأصول*، اول، قم، جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
۳۰. نصیر الدین طوسی، محمد بن محمد، ۱۴۰۵، *تلخیص المحصل*، بیروت، دار الاضواء.
۳۱. نصیر الدین طوسی، محمد بن محمد، بی تا، *تجربید الاعتقاد*، تهران، مکتب الاعلام الاسلامی.